



# تعامل ← → ترابط

## دو حوزه نجف و قم



مقدمه

عالمان، اندیش‌مندان و نخبگان جهان امروز، واژگان اسلام، روحانیت و حوزه‌های علمیه را مترادف و زنجیره‌های بهم پیوسته و ناگسستنی می‌شناسند و حوزه‌های علمیه را مهد پرورش و نشر آموزه‌های قرآنی، وحیانی و روایی می‌دانند، چرا که «حوزه‌ها و حوزویان» در تطور تاریخی همواره مدار هسته اصلی «نشر و تثبیت آموزه‌های دینی و معنوی» با محوریت اسلام ناب بوده‌اند.

رهای بخشی ملت‌های اسلامی، به‌ویژه در چند دهه گذشته ایران اسلامی، در کوره راه‌های ظالمانه استعمار و استبداد زمانه بوده‌اند. به جرئت گفتنی است، اوج این آزاده‌خواهی و رها بخشی نیز قیام مردم غیور ایران اسلامی، با داشته‌های مذهبی، در فجر استقلال و آزادی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) و در عصر غیبت کبری رقم خورد.

از این‌رو، با نگاه به دگرگونی‌های تلخ تاریخی و هجمه‌های بی‌امان بدخواهان داخلی و خارجی و نیز سقوط دین، دین‌مداری و وجهه روحانیت در مقطع‌هایی از

روشنای آموختن احکام الهی، تفسیر و احادیث مرتبط با اقتضائات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و... را طبق سنت گذشتگان از عالمان دینی حوزه‌ها باید اخذ کرد، چراکه عالمانی همواره در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی بر مبنای فقه جعفری (ع) اجتهاد نمودند و پرچم‌دار حرکت‌های اصلاح طلبانه و میدان‌دار رهای بخشی ملت‌های اسلامی، به‌ویژه در چند دهه گذشته ایران اسلامی، در کوره راه‌های ظالمانه استعمار و استبداد زمانه بوده‌اند. به جرئت گفتنی است، اوج این آزاده‌خواهی و رها بخشی نیز قیام مردم غیور ایران اسلامی، با داشته‌های مذهبی، در فجر استقلال و آزادی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) و در عصر غیبت کبری رقم خورد.

با همه فراز و فرودهای تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و اجتماعی که برای حوزه و حوزویان به دست داریم و تاریخ نیز مشحون از این اتفاق‌های بعضاً ناگوار است، از یک نکته مهم نایست غافل شد، که حوزه‌های علمیه و عالمان دینی پیوسته در چالش‌های تاریخی، مدافع اسلام و نشر آموزه‌های اسلامی - شیعی با الهام از آیات قرآن، روایات و سیره معصومان (ع) بوده است، چون حوزویان و حوزه‌ها، بنا به رسالت ذاتی خویش همواره در تبیین و تفسیر احکام الهی، هدایت‌گری جامعه و مرشدی عامه، گام‌های مؤثر برداشته و در این مسیر نقش‌ساز بوده‌اند و توانستند، تا امروز حقانیت اسلام و تشیع را به کفایت حفظ کنند.

استمرار این جریان‌های پایدار و اصولی، نشئت گرفته از عالمان، محدثان و پیشینیان متصل به حیات معصومان (ع) می‌باشد، که اسلام را آن‌گونه فرا گرفته بودند، بی‌کم و کاست با تشکیل کرسی‌های تدریس به نسل‌های بعدی سپردند و اکنون بایستی از «حوزه و حوزویان» آنچه از داشته‌ها آموختند، به روزرسانی و نشر داده شود. روشنای آموختن احکام الهی، تفسیر و احادیث مرتبط با اقتضائات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و... را طبق سنت گذشتگان از عالمان دینی حوزه‌ها باید اخذ کرد، چراکه عالمانی همواره در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی بر مبنای فقه جعفری (ع) اجتهاد نمودند و پرچم‌دار حرکت‌های اصلاح طلبانه و میدان‌دار

تاریخ، در این برهه حساس شایسته است، به اهمیت غیر قابل انکار وحدت، یک پارچگی، ارتباطات و تعامل‌های راهبردی و اثرگذار میان حوزه‌های علمیه برون مرزی و داخلی، نوشتار را با شاخصه‌هایی که بتواند افق روشن «ترابط و تعامل دو حوزه بزرگ عالم تشیع قم و نجف» را فرادید مراجع بزرگوار، دل‌سوزان نظام، متولیان تأثیرگذار و مدیران ارشد حوزه‌های علمیه قرار دهیم و بر اصول موضوع پا فشارند، که حوزه‌های علمیه با حفظ داشته‌های خویش، برای همه زمان‌ها بایستی راهبر و هدایت‌گر عامه باشند. تا بتوان

در برابر همه شیخون‌ها و ابزارهای نظامی، فرهنگی، مستشاری - تخریبی، شبهه افکنی شبکه‌های تار عنکبوتی بین ادیانی و مذهبی مستمر دشمنان، مفید واقع شود.

#### ● بازتعریفی از ترابط بین حوزوی

زمانی که به آثار مصلحان، منتقدان، نخبگان، اندیشوران دل‌سوز تورقی می‌زنیم و با نگاه منصفانه به نظریات‌شان می‌افکنیم، دغدغه همگان این که باید درباره وضعیت کنونی حوزه‌های علمیه بایستی گامی مؤثر برداشت و طرح نو انداخت، چون دگریسی اجتماعی به همراه ارتباطات و فناوری اطلاعات سریع و تنوع و افزون‌طلبی سرسام‌آور نسل

نواخته و هم‌چنین تقاضای پاسخ به انباشت شبهات رخ داده و تغییر ذائقه گیرندگی همگان را در فضاهای مجازی و ناحقیقی شایدیم.

این واقعیتی است، که با امکانات بالقوه حوزه‌های علمیه و بارفع بعضی از کاستی‌های موجود، با برنامه دقیق، معقول و حساب‌شده، می‌تواند برابر هجمه‌ها ایستاد و به آینده امیدوار بود، زیرا با پرورش فضلا متعهد و روحانیت کارآمد و پاسخ‌گو، به آن مقطعی از زمان بیندیشیم که با جامعه‌ها الآن بسیار متفاوت و پیچیده‌تر است.

بنابراین اگر بازتعریفی تاکنون درباره انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن برای تشکیل حکومت اسلامی مباحثی ارایه شده، یک نکته برجسته در میان آن همه مطالب رخ‌نمایی می‌کند و آن که همه متفکران و اندیشوران عالم دینی و غیر دینی به این باورند، که «انقلاب اسلامی ایران نشئت گرفته از حوزه و حوزویان آگاه» می‌باشد، به گونه‌ای که الآن در مؤسسات و پژوهشکده‌های گوناگون جهانی، نقش‌سازی تحرکات، نظریات، اهداف، برنامه و... حوزویان را به دقت پی‌گیر و با تحلیل روزآمد، رصد می‌کنند. از این رو، نوع «تعامل و ترابط حوزه‌ها و حوزویان» در کشورهای

اگر بازتعریفی تاکنون درباره انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن برای تشکیل حکومت اسلامی مباحثی ارایه شده، یک نکته برجسته در میان آن همه مطالب رخ‌نمایی می‌کند و آن که همه متفکران و اندیشوران عالم دینی و غیر دینی به این باورند، که «انقلاب اسلامی ایران نشئت گرفته از حوزه و حوزویان آگاه» می‌باشد، به گونه‌ای که الآن در مؤسسات و پژوهشکده‌های گوناگون جهانی، نقش‌سازی تحرکات، نظریات، اهداف، برنامه و... حوزویان را به دقت پی‌گیر و با تحلیل روزآمد، رصد می‌کنند.

مقتضای نظام اسلامی و شیعی نظارگرند، بایستی پا را فراتر نهاده و در دیگر کشورهای دنیا عاملیت نشر و تعلیم مسائل اسلامی - شیعی را فراهم سازد و رسالت تبلیغی خویش را با دستاوردهای علمی روز ایفا کند و از باب: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup> زمین را بندگان شایسته ما به میراث می‌برند. فرانقشی حوزه‌ها را گسترش دهند.

در این چنبره تبلیغی حساس جهانی، که مستبدان عالم با فراهم داشتن سرمایه و امکانات تبلیغی روز، با شانناژ تبلیغاتی بر طبل ناکارآمدی حکومت دینی و اسلامی می‌کوبند و فرهنگ منحن غرب را نشانه پیشرفت و غوغاسالاری فرامرزی مشوقند و شوربختانه تا اندازه‌ای هم از این فعالیت‌های فرهنگی

- دینی خود راضی‌اند، اما حوزه و حوزویان بایستی خوشحال باشند، که:

**نخست:** غنای حوزه‌های امروز ما با حوزه‌های گذشته در یک سنت و محور می‌باشد و یا این‌که صورت‌بندی برنامه‌ها و اهداف حوزه امروز با حوزه گذشتگان تحول بنیادی اتفاق نیفتاده و اصالت ذاتی خویش را

با چنین بازخورد واقع‌بینانه‌ای که برحوزه‌های علمیه و حوزویان سنت‌گرا سایه افکنده و وجود دارد، بایستی اقرار کرد، که جمود مدیریتی و بسته‌بودن فضای فکری حال حوزه‌ها، به مراتب بی‌اثرگذارتر از مدیریت فعال و میدان‌دار بوده است. به گونه‌ای که شهید مطهری با ظرافت‌بینی و مسئله‌اندیشی خاص روز، در بازسازی و رونق‌آفرینی حوزه‌ها و حوزویان می‌نویسد: «انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و هم‌چنان پیروزمندانه به پیش برود، می‌بایست باز هم روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد...»

ایشان با هشدار جدی درباره اصلاح سازمان روحانیت و نوع مدیریت ایستایی و عدم توفیق حوزه‌ها می‌آورد: «ثابت نگه داشتن سازمان روحانیت در وضع فعلی نیز به انقراض آن منتهی خواهد شد.»

اسلامی و غیر اسلامی به ویژه دو حوزه بزرگ نجف و قم در اصل، تثبیت دین، نظام اسلامی، مذهب و در ساختار جوامع اسلامی بسیار مؤثر است، همگان مقرّند، که بقای اسلام، مجدّد و عزت حاکمیت اسلامی و دستیابی به تمدن نوین اسلامی - که با ایثار و خون هزاران مردان علم و جهاد جان گرفته و هم‌چنین شکست خواسته یا ناخواسته این نظام و حاکمیت - مستقیماً به حوزه و حوزویان در این مقطع زمانی برمی‌گردد و شاید هم چشم‌پوشی به این واقعیت دگرگونی اجتماعی، تیر خلاصی بر پیکره اسلام، نظام اسلامی و موجودیت روحانیت آرمان‌خواه و پیش‌رو باشد. که در این باره مسائلی را برمی‌شماریم.

## ● باور به یک واقعیت در تعاملات فرانقشی

کارشناسان علوم اسلامی، برخی مدیریت فراسازمانی و جغرافیایی که فراتر از مرزهای کشور، چندسالی در حوزه‌های علمیه شروع شده، به فال نیک گرفته‌اند و بر این باورند، که حوزه‌ها نبایستی در جا و ایستا عمل کنند و منحصر به چند کشور اسلامی همسایه اکتفا شود، بلکه آنچه جهان امروز به

حفظ کرده است، ولی دردمندانه بایستی اقرار کنیم، که حوزه و حوزویان امروز ما با توجه به دانش‌های فراگیر روز جهانی، نتوانسته است و هم‌چنین نخواستہ اثر و توفیق چندانی از تعاریف نرم و سخت در حفظ و بازنشر آموزه‌های اسلامی بعد از ۴۲ سال از عمر با برکت انقلاب اسلامی در جهان امروز داشته باشیم.

**دوم:** با چنین بازخورد واقع‌بینانه‌ای که برحوزه‌های علمیه و حوزویان سنت‌گرا سایه افکنده و وجود دارد، بایستی اقرار کرد، که

جمود مدیریتی و بسته‌بودن فضای فکری حال حوزه‌ها، به مراتب بی‌اثرگذاشته از مدیریت فعال و میدان‌دار بوده است. به گونه‌ای که شهید مطهری با ظرافت‌بینی و مسئله‌اندیشی خاص روز، در بازسازی و رونق‌افزایی حوزه‌ها و حوزویان می‌نویسد: «انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و هم‌چنان پیروزمندانه به پیش برود، می‌بایست باز هم روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد...»<sup>۲</sup>

ایشان با هشدار جدی درباره اصلاح سازمان روحانیت و نوع مدیریت ایستایی و عدم توفیق حوزه‌ها می‌آورد: «ثابت نگه‌داشتن سازمان روحانیت در

وضع فعلی نیز به انقراض آن منتهی خواهد شد. این مطلب را حدود ده سال است، که بارها و بارها تکرار کرده‌ام و گفته‌ام که روحانیت یک درخت آفت‌زده است و باید با آفت‌هایش مبارزه کرد. اما کسی می‌گوید دست به ترکیب این درخت نزنید، معنای سخنش این است، که بگوید دست به ترکیب این درخت (آفت‌زده) نزنید. معنای سخنش این است که با آفت‌های آن هم مبارزه نکنید و این باعث می‌شود که آفت‌ها، درخت را از بین ببرند. آن کسی که می‌گوید اصلاً این درخت

را باید از ریشه کند، نیز اشتباه بزرگی مرتکب می‌شود، زیرا اگر این درخت کنده شود، دیگر هیچ‌کس قادر نخواهد بود تا نهال جدیدی به جای آن بکارد. به این ترتیب آینده انقلاب اسلامی ایران پیونده زیادی به آینده روحانیت دارد.»<sup>۳</sup>

**سوم:** امروز بیشتر ساختار دریافت معلومات و اطلاعات، از ارتباطات فراگیر و فناوری اطلاعات در فضای مجازی است، که به نوعی در گیرندگی ذایقه افراد جامعه تغییراتی اساسی ایجاد کرده و وضعیت جهان اسلام و دیگر کشورها را به گونه‌ای رقم زده که دانش‌آموختگان، نخبگان و مشتاقان طالب ایده‌پردازی نو و جدل

نگاه عالمانه به فرانقشی حوزه‌ها می‌تواند نوعی تحرک در مدیریت، فراگیر علمی و با برنامه‌های روزآمد ایجاد کند، چراکه حوزه‌های علمیه می‌توانند با جدیت روزافزون در وادی تشنه آموزه‌های قرآنی اسلامی گام مؤثر بردارند و آن‌گونه که جوامع امروز بشریت نیازمند معنایی خویش هستند، با آموزش فضلا و طلاب خوش‌ذوق جوان، گام به عرصه جهانی گذارند و با الگوبرداری از بزرگان تأثیرگذار «ترابط و تعامل» نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی و مرجع بزرگ عالم تشیع، آیه‌الله سیدحسین بروجردی، که نقش غیر قابل انکاری در «تقریب مذاهب و نشر آموزه‌های اسلامی و شیعی در کشورهای اسلامی و غربی» داشتند، بازتعریف‌گردند.

سیدجمال‌الدین اسدی‌آبادی که برخاسته از حوزه شیعی بوده و با گروه‌های عالمان دیگر مذاهب و دانشمندان غربی ارتباط تنگاتنگ پیدا می‌کرد و برای زنده نگه‌داشتن و باورهای دین و مذهبش بیشترین تلاش را می‌کرد. با وجود سختی مسافرت آن زمان، در کشورهای هند، حجاز، مصر، ترکیه، عراق و حتی اروپا شاگردانی بودند که نوع فعالیت و داشته‌های علمی سیدجمال را می‌پسندیدند. یکی از علاقه‌مندان می‌گوید: «بر سید وارد شدم و او را دریایی از علم و فضل دیدم ... چندین زبان را به خوبی تکلم می‌کرد: فارسی، ترکی همدانی، ترکی اسلامبولی، فرانسوی، انگلیسی، روسی، عربی، عبری و افغانی را هم می‌دانست.<sup>۴</sup> این شاخصه‌های برجسته نشان می‌دهد، که برای تبلیغ دینی بایستی حوزه و حوزویان توجه ویژه به تخصصی کردن علوم و زبان‌آموزی طلاب برنامه راهبردی داشته باشند و یا این که سیدجمال‌الدین به عالمان دینی هندوستان توصیه می‌کرد: «زبان انگلیسی را فراگیرند و علوم معارف مغرب زمین را در اختیار مردم نهند.<sup>۵</sup>

اگر یکی دیگر از توان‌مندی حوزه‌های تشیع را در این باره برشماریم می‌توانیم خدمات آیه‌الله سیدحسین بروجردی، را یادآور شویم، که ایشان برای هم‌سویی وحدت مذاهب اسلامی، مرتب به عالمان شیعه خطاب می‌کرد: «مسئله خلافت، امروز مورد نیاز مسلمانان نیست، که ما با هم دعوا کنیم. هر که بود، امروز چه نتیجه‌ای برای مسلمین

احسن اسلامی به ویژه شیعی را مطالبه دارند. در این میدان پر از مطالبه‌خواهی و با خلأهای موجود فرانقشی حوزه‌ها و روحانیان صاحب سبک، بایستی در این میدان‌داری به روشنی نمایان شود و نیاز مشتاقان فرامرزی را با تأسی از آموزه‌های غنی شیعی مصلحانه و آگاهانه متمول کنند. این باورپذیری و ظرفیت در حوزه‌های علمیه و روحانیون آگاه به مسائل روز وجود دارد، که بتوانند آن‌گونه به مصلحت حوزه‌ها و پیشینه علمای گذشته و نظام اسلامی باشد «ارتباط و تعامل با دیگر گروه‌های اسلامی و غیر اسلامی» برقرار کنند و به خواسته‌های واقعی فرانقش برسند.

**چهارم:** نگاه عالمانه به فرانقشی حوزه‌ها می‌تواند نوعی تحرک در مدیریت، فراگیر علمی و با برنامه‌های روزآمد ایجاد کند، چرا که حوزه‌های علمیه می‌توانند با جدیت روزافزون در وادی تشنه آموزه‌های قرآنی - اسلامی گام مؤثر بردارند و آن‌گونه که جوامع امروز بشریت نیازمند معنایی خویش هستند، با آموزش فضلا و طلاب خوش‌ذوق جوان، گام به عرصه جهانی گذارند و با الگوبرداری از بزرگان تأثیرگذار «ترابط و تعامل» نظیر سیدجمال‌الدین اسدآبادی و مرجع بزرگ عالم تشیع، آیه‌الله سیدحسین بروجردی، که نقش غیرقابل انکاری در «تقریب مذاهب و نشر آموزه‌های اسلامی و شیعی در کشورهای اسلامی و غربی» داشتند، بازتعریف گردد. در این باره شایان یادآوری است، که برخی از بزرگان میدان‌دار عالم تشیع، نظیر

و حتی سیاسی خود را به موضع ضعف و دفاعی واداشت.

حوزه‌ها، حوزویان و نظام اسلامی ایران با توجه به این مهم، که صدور آموزه‌های دینی از سوی عالمان متفکر و اندیشه‌ورز و اهداف بلند انقلاب اسلامی، اکنون به قدرت نرمی فراگیر تبدیل شده، می‌تواند با سبقه خوب گذشتگان تأثیرگذار، آثار آن را حتی در آمریکای لاتین، قلب اروپا و جای جای جهان مشاهده کرد و مصارف فکری آنان را با تکیه به واژگان اصیل اسلامی - شیعی به‌درستی و فراخور، مشتاقان را مستغنی کرد.

تأکید این موضوع ضروری است، که نقش‌سازی حوزه‌ها و حوزویان در دو حوزه بزرگ و تأثیرگذار عالم تشیع «قم و نجف» می‌تواند در این مسائل، که از مستحدثات و نوپیدای جهان زیست بشری است، گامی عاجل بردارند و با هماهنگی و برنامه منسجم، به گونه‌ای سامان‌دهی شوند و متولیان این دو حوزه بزرگ را متقاعد نمود، که در آینده نه چندان دور، با توجه به حجم‌های تبلیغی، سیاسی، اجتماعی و ... دشمنان، آثار حق‌طلبی و والایی مذهب تشیع را در افکار داخلی و جهانی به‌خوبی احساس کرد و برای آن بایستی چاره‌ای عاجل اندیشید.

#### ● حفظ دستاوردها، چرا و چگونه؟

زمانی که به اهداف و دستاوردهای حوزه‌ها، حوزویان به تبع آن انقلاب اسلامی می‌نگریم، نقش‌بندی همه آن‌ها را زنجیروار و به هم‌پیوسته می‌یابیم و از یک‌دیگر ناگسستنی

دارد؟ آنچه که امروز، به حال مسلمین مفید است، این‌که: بدانید احکام باید از چه مأخذی اخذ بکنند.» و برای رساندن این پیام به جامعه اهل سنت، با دارالتقرب پیوند خورد. احادیث و کتاب‌های الفت‌آفرین شیعه را، که در ضمن تفکر شیعه نیز بود، برای مطالعه و نشر، به عالمان آن جامعه عرضه می‌کرد. پیام‌های شفاهی و کتبی، به عنوان جامعه شیعه از سوی ایشان ارسال شد، به‌گونه‌ای تأثیرگذار بود، که عرصه‌ها را بر اختلاف تنگ کرد و دست‌آیادی تفرقه‌افکن استعمار را برید، که سبب شد، مذهب شیعه که تا آن روز در بین دیگر مذاهب پایگاهی نداشت و از هر سوی طرد می‌شد، جایگاه و پایگاهی را که سزاوارش بود، باز یابد و به غربت و انزوای شیعه پایان داده شود و مذهب شیعه به عنوان یکی از مذاهب بزرگ اسلامی در جامعه الأزهر مصر، کرسی تدریس یافت.<sup>۶</sup>

توان‌مندی، اهداف ذاتی، داشته‌های نهفته حوزه‌ها، روحانیت و حکومت اسلامی، که بحمدالله کم نیست و در اختیار مسئولان نظام و مدیریت حوزه‌ها می‌باشد، بایستی به کفایت و به‌زمانه از آن‌ها بهره‌برد و تمام قد شفتگان آموزه‌های وحیانی و تعالیم اسلامی - شیعی را در برون‌مرزهای اسلامی - طبق آمارها بین‌المللی کم نیستند - جذب حداکثری نمود، تا در برابر تبلیغات افسارگسیخته و هزارگون شبکه‌های معاند از حالت تدافعی درآمده و به مرحله برخط خلاقیت و اثرگذار رسید و می‌توان دشمنان فکری، عقیدتی

و هنجارشکنی در جامعه را نمی‌توان انکار کرد و پوشش‌های چالشی و شبه‌افکنی آن را نادیده انگاشت. با چنین شناختی، می‌توان امیدوارانه به اندیشه‌های برخاسته از حوزه‌های علمیه و روشنگری عالمان مبرز، در چند دهه گذشته در داخل کشور و فرامرزی با انگیزه حقانیت تشیع و صدور و تثبیت اهداف نظام اسلامی نگریست، که با نوعی تجانست آرا را به نمایش نهداند و استمرار این چنین تحرکات مثبت با پیش‌رفت‌های ارتباطات شنیداری، دیداری، نرم‌افزاری بایستی روزافزون‌تر شود، نه آن‌که به گذشته قانع باشیم و آنچه هست به آن اکتفا

کنیم. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «حوزه‌های علمیه ما اگر از محدودیت‌های مصنوعی که خود برای خود به وجود آورده‌اند خارج گردند و با استفاده از پیشرفت علوم انسانی جدید به احیای فرهنگ کهن خود و آراستن و پیراستن آن بپردازند و آن را تکمیل نمایند و به پیش سوق دهند، و کالاهای فرهنگی خود را در زمینه‌های مختلف معنوی، فلسفی، اخلاقی، حقوقی، روانی، اجتماعی و تاریخی با کمال افتخار و سربلندی به جهان دانش عرضه نمایند.»<sup>۷</sup>

توان‌مندی، اهداف ذاتی، داشته‌های نهفته حوزه‌ها، روحانیت و حکومت اسلامی، که بحمدالله کم نیست و در اختیار مسئولان نظام و مدیریت حوزه‌ها می‌باشد، بایستی به کفایت و به‌زمانه از آن‌ها بهره برد و تمام‌قد شفتگان آموزهای وحیانی و تعلیم اسلامی. شیعی را در برون‌مرزهای اسلامی. طبق آمارها بین‌المللی کم نیستند. جذب حداکثری نمود، تا در برابر تبلیغات افسارگسیخته و هزارگون شبکه‌های معاند از حالت تدافعی درآمده و به مرحله برخط خلاقیت و اثرگذار رسید و می‌توان دشمنان فکری، عقیدتی و حتی سیاسی خود را به موضع ضعف و دفاعی واداشت.

است، چراکه ریشه‌های انقلاب اسلامی برگرفته از همان آموزه‌های حوزه و رویکرد عملی دانسته‌های حوزوی در تطور تاریخی است.

از این رو، گسست‌هایی بنیادی در باورهای امروز اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی برخی از مسلمانان را بایستی جدی قلمداد کرد، زیرا توازون تعاملات و معادلات امروز جوامع بشری به کلی به هم ریخته و به طور مستمر از طریق دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی، پژوهشکده‌های تحقیقاتی آشکارا و پنهان، نشر کتاب و مقالات، ارتباطات جمعی، نرم‌افزارهای گوناگون تحقیقی-آموزشی، ماهواره‌ها،

گوشی‌های روزآمد، مسافرت و ... از دیگر سرزمین‌ها بسیار آسان و در اختیار افراد یک جامعه هست، که می‌توانند حقایق را دریابند و یا وارونه جلوه دهند و سره از ناسره را سخت‌تر وانمود کنند.

در این تعاملات و ارتباطات سخت و ناهمگون، تشخیص کج‌روی و حمله‌های فراعنقادی، اجتماعی و اخلاقی، سریع مورد بازبینی همگان قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که اگر به احتمال قوی پذیرش همه آن‌ها برای مان دیرباور باشند، اما اثرات بار منفی



حق و حقیقت همواره مورد استقبال واقع می‌شد و در هیچ‌زمانی نیز تعطیلی نداشت. دستاورد این فرهنگ رواداری، در گذشته و حال، نوعی پایبند به سنت آزاداندیشی و تبلیغ آموزه‌های شیعی، کتاب‌های مناظرات، احتجاجات و نظیر آن‌ها را به ارمغان داشت، که استواری علمی عالمان دینی - شیعی را ثابت می‌کرد و به تبع آن و به همان اندازه سبب عقب‌راندن دشمنان و کج‌اندیشان التقاطی و اجیران علمی مزدبگیر اجانب می‌شد.

سبقه تاریخی تعاملات عالمان شیعی، هیچ‌گاه ایستا نبوده و از هر سنگری برای رونق‌بخشی آموخته‌های خویش بهره می‌جستند. آنان در حفظ سنگر آموزه‌های دینی و ترویج و پاسخ‌دهی به تردیدافکنان، با سلاح «حکمت و برهان و جدل احسن»، باعث شد که به مرور زمان، انگیزه تأسیس مدارس علوم دینی در جای جای کشورهای اسلامی، مانند حوزه‌های ری، حله، بعلبک، بغداد،

اصفهان، مشهد، سامرا و... شکل گیرد. فعال شدن حوزه نجف بعد از مرحوم آخوند خراسانی و شکل‌گیری مؤلفه‌های علمی و شاگردپروری، روح دوباره به کالبد حوزه‌ها دمیده شد. به تبع چنین انگیزشی، در ایران نیز تکاپوی علما و روحانیان با بهره‌مندی از تجربیات پیشینیان در حوزه نجف و

اما آنچه در این زمان، از ضروریات اساسی حوزه‌ها و عالمان دینی می‌توان برشمرد، طرح و برنامه سیستمی فراگیر است، که بایستی هر چه زودتر با نظمی معقول در ابعاد علمی، پژوهشی و تبلیغی محقق ساخت تا با حفظ اصالت ذاتی درون‌مرزی به ترویج و جذب حداکثری برون‌مرزی پرداخت و این مهم با داشته‌های گذشته و نوآوری‌های امروزی و جرئت اقدامات نوآوری مدیریت سطح عالی امکان‌پذیر می‌شود و می‌توان برای رسیدن به اهداف مهم حوزه علمیه مقبول، امیدوار بود. دست‌یافتن به آرمان‌های بلند علمی، مذهبی و سیاسی پایدار، قبل از هر چیزی با ایجاد یک فضای مدیریتی سالم، کارا، بلنداندیش و آینده‌نگر برای حوزه‌های علمیه بسیار ضرورت دارد، که تحقق چنین مدیریتی با داشته‌های حوزه‌های علمیه امکان‌پذیر و قابل دست‌رس است.

### ● تعامل، اساس پیوند و محور ناگسستنی بین حوزوی

با نگاه به پیشینه غنی حوزه‌های علمیه شیعه، که مشحون از تعاملات علمی بین حوزوی و فراحوزوی و عالمان دینی با غیردینی بوده است و این مراودات علمی در تطور حیات حوزه‌ها و روحانیت بر رفع شبهات، پرسش‌های نو و هم‌بستگی بیشتر مذهبی - دینی و برای روشن شدن

● دست‌یافتن به آرمان‌های بلند علمی، مذهبی و سیاسی پایدار، قبل از هر چیزی با ایجاد یک فضای مدیریتی سالم، کارا، بلنداندیش و آینده‌نگر برای حوزه‌های علمیه بسیار ضرورت دارد، که تحقق چنین مدیریتی با داشته‌های حوزه‌های علمیه امکان‌پذیر و قابل دست‌رس است.

آنچه از حوزه نجف یا سامرا می‌آموزیدند با افتخار در اختیار طلاب سامرا، حله، بعلبک و قم می‌گذاشتند و این سنت حسنه را در خود با افتخار می‌پروراندند و برای «ترابط و تعامل» بایستی برای امروز حوزویان درس آموز باشد.

تعامل‌های علمی در گذشته، قایم به شخص خاص و یا مدرسه ویژه‌ای نبود. از این‌رو، همه عالمان دینی و روحانیان، خود را در این باره موظف به نشر معارف اسلامی - شیعی می‌نمودند و این رسالت مهم را یک رویه حسنه و اراده مستحکم برای همه عالمان شیعی، از گذشته تاکنون به جا مانده است. برای شناساندن حقانیت تشیع وظیفه ذاتی همه حوزه‌ها به‌ویژه دو حوزه بزرگ نجف و قم است، که نظیر آیت‌الله بروجردی بایستی قهرمانانه، سدها را فروریزان و فرهنگ

تشیع را از حصار آهنی که خودی و بیگانه برگردش استوار ساخته بودند، رهانید و شیعه را به عنوان مذهبی منطقی و دارای روش‌های دقیق علمی برای استخراج احکام از متن شریعت و عامل به حدیث شریف «ثقلین» که همه فرق‌ها بر آن باور داشتند، در بزرگ‌ترین پایگاه علمی اهل تسنن آن روزگار، یعنی جامعه الأزهر مصر مطرح کنند. این تلاش سترگ ایشان سبب شد، که عالمان سنی، عمیقاً درنگ

برخورداری از شیوه‌های جدید تحقیق و تبلیغ برای پیشبرد اهداف حوزه، طرحی نو در انداختند، که تاکنون نیز با دستاوردهای که داشته‌اند برای طلاب جوان بسیار مؤثر بوده است.

حوزه‌های پربار شیعه با دیدگاه‌های مکتبی گوناگون توانستند پیوند ناگسستنی دین و مذهب به حق شیعه را آن‌گونه که به ارث برده بودند، روشنای چراغ پرفروغ طالبان علوم دینی - شیعی آیندگان قرار دهند. مدیریت فراگیر با بنیه علمی انکارناپذیر سبب شد، تعامل علمی و فرهنگی میان حوزویان درون مرزی و برون مرزی رخ نماید و امر مهم «ترابط و تعامل حوزه‌ها»، را برای استحکام دین مهیا سازند.

برای پیدایی چنین عامل انگیزشی پیوند، که از گذشته تاکنون بوده، کافی است به سیره و شرح زندگانی عالمان صاحب سبک تورقی زده شود، که چگونه عالمان دینی برای تعلیم و تعلّم همواره با عدم امکانات و دشواری‌های زیاد، از شهر به شهری و یا از کشوری به کشور دیگر در هجرت بودند و در محضر اساتید گوناگون کسب دانش می‌کردند و آنچه از عالمان خراسان می‌آموختند با اخلاص محض در اختیار طلاب اصفهان و یا قم می‌نهادند و یا

● حوزه‌های پربار شیعه با دیدگاه‌های مکتبی گوناگون توانستند پیوند ناگسستنی دین و مذهب به حق شیعه را آن‌گونه که به ارث برده بودند، روشنای چراغ پرفروغ طالبان علوم دینی - شیعی آیندگان قرار دهند. مدیریت فراگیر با بنیه علمی انکارناپذیر سبب شد، تعامل علمی و فرهنگی میان حوزویان درون مرزی و برون مرزی رخ نماید و امر مهم «ترابط و تعامل حوزه‌ها»، را برای استحکام دین مهیا سازند.

●

سبک صحیح می‌داند، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، در حالی که زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد می‌باشند، که بحث‌های زیادی در آن نهفته است.

گفتنی است، که درهم‌تنیدگی برخی از دروس حوزویان و برداشت‌های متفاوت آنان از آیات قرآن و روایات، تفکیکی و تراجمی در نوع تعاملات حوزوی درون‌مرزی و یا برون‌مرزی دیده نمی‌شود و منابع اصیل بنیه علمی و نوع فرهنگ و هم‌خانگی آنان در مسیر واحدی است، که شرایط آن بایستی مقتضای حال حوزه‌ها باشد، چراکه اگر به واکاوی فعالیت چند دهه گذشته بپردازیم، خواهیم دید که حقیقت مکتب قم تقریباً از زمان آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم، که عمده تحصیلات خود را در نجف سپری کردند و از محضر عالمانی همچون: مرحوم آیت‌الله سیدمحمد فشارکی، مرحوم آخوند خراسانی و... بهره گرفت، که بعدها داشته‌های خویش را با پرورش شاگردان، در حوزه علمیه قم عملیاتی نمود و تاکنون به بار نشسته است.

البته، بعدها مرحوم آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری، مرحوم آیت‌الله صدر و مرحوم آیت‌الله حجت هم که در قم بودند و بعد، پذیرای مرحوم آیت‌الله سیدحسین بروجردی شدند، همگی دانش‌آموختگان «مکتب نجف» هستند، حتی شاگردان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم، نظیر حضرت امام

کرده و این مذهب و ریشه‌های اصلی آن را مورد مذاقه قرار دهند. هرچه درباره تشیع بیشتر می‌نگرستند، بیشتر شفته مذهب شیعه می‌شدند، تا این‌که در فتوای مفتی اعظم مصر (محمود شلتوت) برجستگی آن جلوه‌گر شد.

این حرکت دقیق، حساب‌شد و بجای آیه‌الله بروجردی درسی است آموزنده برای مدیران و متولیان حوزه‌های علمیه، که از حالت تدافعی خارج شده و با یک راهبرد درست با برجسته کردن تقریب‌های بین مذاهب بتوان اصالت ذاتی حوزه‌ها و آموزه‌های شیعه را به جهانیان معرفی کرد.

#### ● اکملیت دو حوزه قم و نجف، تقابل یا تعامل؟

همان‌گونه که اشاره شد، دستاوردهای حوزویان بعد از سال‌ها در ایران اسلامی به بار نشست، و آنچه از فقه سیاسی آموخته بودند، بعد از تثبیت انقلاب اسلامی به صحنه اجرا درآوردند. اما در نوع نگاه عالمان دینی و یا حوزویان به نگرش عملیاتی فقه سیاسی، به تفاوت‌هایی برمی‌خوریم که ناخواسته به دو رویکرد مکتبی «قم و نجف» بتفسیرند. با بازخوانی اجمالی این دو مکتب حوزوی - با این‌که خللی در نوع ترابط و تعامل بین حوزوی، از گذشته تاکنون ایجاد نکرد، بلکه به استحکام آن‌ها افزود - عالمانی نظیر حضرت امام خمینی علیه السلام، که درباره درس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، تأکید داشتند به «فقه سنتی و اجتهاد جواهری» و تخلف از آن را جایز نمی‌دانستند. از این‌رو، اجتهاد به همان

مراقب اظهارنظرها، نقدها، برنامه‌ها و نوع ترابط و تعامل هوشیار باشیم، تا خوراک تبلیغاتی و بهانه‌ای به دشمن فرصت طلب ندهیم.

#### ● نتیجه

با توجه به خاستگاه پر فروغ فقاقت در «دو حوزه صاحب اندیشه و مکتب عالم تشیع، قم و نجف» و نگاه تجربی به پنجاه سال پیش‌تر این حوزه‌ها، شاید در نوع تعاملات، ترابط و هم‌گرایی نوع مکتب‌شناسی را بهتر واکاوی نهیم و این نگاه را خوب شناسانیم، اما از زمان اخراج اجباری علما به ایران توسط صدام ملعون، شناخت تفکیک و رویکرد فقاقتی دو حوزه برای کارشناسان کاربلد سخت‌تر شده، چرا که حوزه قم پس از کوچ اجباری مملو

از علمایی شد که در نجف اشرف تربیت یافته بودند. یا از آن سو، گروهی از علمای تربیت شده ایران در قم بودند که به نجف می‌رفتند و کسب فیض می‌کردند. با چنین رویکردی اگر منظور از «تعاملات و ترابط بین حوزوی» در نوع رویکرد و درک معنای درست باشد، بایستی اقرار کرد، که اصل «ترابط و تعامل دو حوزه بزرگ نجف و قم» برای مذهب به حق شیعه و نزدیکی دو ملت محب اهل بیت (ع)

خمینی، آیت‌الله سیدمحمدرضا گلپایگانی و آیت‌الله محقق داماد، که سکانشان در قم بودند، در مقطعی مکتب نجف را درک کرده‌اند. از این‌رو، با نگاه در چنده دهه گذشته مکتب قم، می‌توان تفاوت‌هایی را نسبت به مکتب نجف در این دوره قائل شد، ولی در هم‌آمیختگی داشته‌های علمی عالمان بزرگ حوزه قم و نجف، همواره در «ترابط احسن» و «تعامل اکمل» در سرلوحه آموزشان می‌گنجانیدن.

اکنون بایستی «تعامل بنیادی دو حوزه بزرگ نجف و قم» را به نوعی برای پیشبرد اهداف عالم تشیع، یک دستاورد شمرد و به دور از مباحث روزمرگی، بایستی



اکنون بایستی «تعامل بنیادی دو حوزه بزرگ نجف و قم» را به نوعی برای پیشبرد اهداف عالم تشیع، یک دستاورد شمرد و به دور از مباحث روزمرگی، بایستی به اصل تعامل اندیشید که در این برهه حساس، دشمنان زیادی در بیخ گوش مان سنگر تفرقه زدند، بسیار راه‌گشاه باشد. اگر اکنون بخواهیم «ترابط و تعامل» وضعیت فعلی دو حوزه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، با ظریف‌بینی و دوراندیشی بزرگان دو حوزه، اصل «ترابط و تعامل» بر دو حوزه حکم فرماست، اما بایستی با این داشته‌ها و نزدیکی دشمنان قدار و مترصد تفرقه‌افکن، مراقب اظهارنظرها، نقدها، برنامه‌ها و نوع ترابط و تعامل هوشیار باشیم، تا خوراک تبلیغاتی و بهانه‌ای به دشمن فرصت طلب ندهیم.



به اصل تعامل اندیشید که در این برهه حساس، دشمنان زیادی در بیخ گوش مان سنگر تفرقه زدند، بسیار راه‌گشاه باشد. اگر اکنون بخواهیم «ترابط و تعامل» وضعیت فعلی دو حوزه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، با ظریف‌بینی و دوراندیشی بزرگان دو حوزه، اصل «ترابط و تعامل» بر دو حوزه حکم فرماست، اما بایستی با این داشته‌ها و نزدیکی دشمنان قدار و مترصد تفرقه‌افکن،

شمار می‌روند و پاسخ‌گویی به آنچه از نظام و یا بر نظام عارض می‌شوند، هستند.

شایان ذکر است، که وضعیت حکومت کشور ما با کشور عراق متفاوت است، چرا که بعد از سرنگونی صدام ملعون، حوزه نجف رشد زیادی کرد و یک بازباوری و تحولی اساسی ایجاد شد. برخی از علما و بزرگان دینی با وجود همه تهدیدها و سختی‌های مضاعف در عراق ماندند و با ضعف‌ها و مشکلات فراوان خوش‌پیشینه با برکت کردند و در برخی از موضوعات حکومت و کشور نیز شجاعانه راهبری‌ها و دخالت‌های اساسی انجام دادند که باعث سربلندی حوزه نجف، عالم تشیع و کشور عراق شدند، که نمونه بارز آن، فتوای نجات‌بخش حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیتانی، مبنی بر تشکیل بسیج مردمی (حشد الشعبی) در برابر هجوم داعش، برگ زرین حوزه نجف در تاریخ معاصر، مهر تأییدی است. به خوبی می‌توان نفوذ مرجعیت دینی حوزه نجف را در این نوع مسائل دریافت، که در هر دو شکل ممکن، عزم و مجدّ حوزه‌ها برای حاکمیت و نظام اسلامی مفید می‌باشد.

در آخر، این نوشتار بر آن است که اصل «ترابط و تعاملات» دو حوزه بزرگ عالم تشیع «قم و نجف» را با نگاه منصفانه، برنامه‌های توان‌افزا، مدیریت‌های فرامرزی و ... بتوان پاسخ‌گوی سریع و صریح روزآمد ملت‌ها و مشتاقان نواندیش جهان باشند و از آنچه بزرگان این حوزه دینی نظیر سیدجمال‌الدین

وضعیت حکومت کشور ما با کشور عراق متفاوت است، چرا که بعد از سرنگونی صدام ملعون، حوزه نجف رشد زیادی کرد و یک بازباوری و تحولی اساسی ایجاد شد. برخی از علما و بزرگان دینی با وجود همه تهدیدها و سختی‌های مضاعف در عراق ماندند و با ضعف‌ها و مشکلات فراوان ساختند و این حوزه خوش‌پیشینه با برکت را حفظ کردند و در برخی از موضوعات حکومت و کشور نیز شجاعانه راهبری‌ها و دخالت‌های اساسی انجام دادند که باعث سربلندی حوزه نجف، عالم تشیع و کشور عراق شدند، که نمونه بارز آن، فتوای نجات‌بخش حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیتانی، مبنی بر تشکیل بسیج مردمی (حشد الشعبی) در برابر هجوم داعش، برگ زرین حوزه نجف در تاریخ معاصر، مهر تأییدی است.

حکم حیاتی دارد و بایستی به این قرابت اهمیت دوچندان داد.

گفتنی است، که بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، که در رأس آن «ولی فقیه» حضور دارد، همه مراجع بزرگوار، عالمان دینی از این مقام حمایت کرده و می‌کنند، از این‌رو، دانش آموختگان حوزه علمیه که به شکلی آموزش‌دیدگان همان مراجع و عالمان بزرگوارند، در این نظام حضور چشم‌گیری در نهادها، وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و ... دارند، که از خروجی‌های حوزه علمیه به

**پی‌نوشت:**

- \* نویسنده و پژوهشگر.
۱. انبیاء، آیه ۱۰۵.
  ۲. همو، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۳۱.
  ۳. مجله حوزه، شماره ۵۹ و ۶۰، به نقل از: ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۸۰.
  ۴. همان، به نقل از: مقالات جمالیه، ص ۴۱.
  ۵. برگرفته و اضافات، مجله حوزه، ص ۱۵، شماره ۴۳ و ۴۴.
  ۶. همو، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۳۴.
  ۷. همو، صحیفه، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

اسدآبادی و آیت‌الله سیدحسین بروجردی درباره اقدام‌های فرامرزی انجام داده‌اند، بهره برد و با استفاده از پیشرفت‌های فضای مجازی و اطلاعات فناوری به گونه‌ای در آموزش و پژوهش فضلا، طلاب خوش‌ذوق و متخصص هماهنگ عمل کنند که مشکلات و مسایل مستحدثه اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، حکومتی و ... را در دستور فعالیت داخلی و خارجی قرار گیرند، چراکه این توانایی در منابع غنی و پربرار شیعه برای همه نسل‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها وجود دارد، که لازم است تنها به یک باورمندی قوی و مدیریت خلّاقانه همه داشته‌های دو حوزه و روحانیت بزرگ دو حوزه نجف و قم را در پاسخ‌گویی روزآمد و مستدل در یک صف واحد منسجم نمود.



